

**حوزه  
خانواده و  
مسائل دینی  
بارویکرد  
اجتماعی  
جزء  
دغدغه‌های  
شخصی من  
است**



**مدتهاست  
در انتخاب  
برنامه و  
تهیه‌کننده  
بسیار  
حساس  
هستم**

\*\*\*سؤال بسیار خوبی کردید. به اعتقاد من مجری زمانی تبدیل به مجری خوب می‌شود که با تهیه‌کننده خوب و در برنامه خوب کار کند. در این مورد خود را مدیون همکاران حرفه‌ای زیادی می‌دانم و مدتهاست در انتخاب برنامه و تهیه‌کننده بسیار حساس هستم.

**\* اجرای چه نوع برنامه‌هایی برایتان دارای اولویت است؟**

\*\*\*برنامه‌های خانواده محور و معارفی قرآنی با رویکرد اجتماعی اولویت کاری من است.

**\* آیا اجرای همکارانتان را در تلویزیون دنبال می‌کنید؟**

\*\*\*قدیم چرا ولی این روزها خیر اصلاً فرصت زیادی برای تماشای تلویزیون ندارم، بسیار زیاد فیلم می‌بینم و کتاب می‌خوانم. بزرگترین آرزوی من این است که آنقدر عمر کنم که تمام فیلم‌هایم را ببینم و کتاب‌هایم را بخوانم و با این حساب اصلاً نباید بمیرم! چرا که فیلم‌ها و کتاب‌های خوب تمام‌نشدنی‌اند... (با خنده)

**\* ویژگی‌های یک مجری موفق از نظر شما چیست؟**

\*\*\*مجری موفق کسی است که دارای مقبولیت نسبی بین مخاطبانش باشد. خود را نماینده مخاطب در رسانه بداند و به شخصیت حقیقی‌اش نزدیک باشد، بیشتر شنونده‌ای فعال باشد تا گوینده‌ای فعال. ری‌اکشن‌ها و زبان بدن خوبی داشته باشد، فن بیان قوی داشته باشد، در هر حوزه اطلاعات کافی داشته باشد و توانایی برقراری ارتباط موثر با مخاطب را داشته باشد. کاملاً به روز بوده و اهل مطالعه باشد. از پوشش مناسب روز جامعه استفاده کند، مرتب و خلاق، خوش‌فکر و با هوش رسانه‌ای بالا باشد.

**\* همانطور که اشاره کردید داشتن اطلاعات به روز از ویژگی‌های یک مجری تواناست.**

**آیا شما مطالعه دارید و بیشتر در چه زمینه‌ای است؟**

\*\*\*بله، همانطور که در سؤالات قبل هم اشاره کردم کتاب جزء دوست داشتنی‌های زندگی من است، حوزه‌های مطالعاتی من بیشتر روان‌شناسی، خانواده، تاریخ اسلام و کتب مباحث تربیتی - اخلاقی و زمان است.

**\* خانم انصاری فر الان که ۳۶ سالگی را پشت سر گذاشتید و وارد ۳۷ سالگی شدید چه احساسی دارید؟**

\*\*\* راستش هم خوشحالم که خداوند با رحمت فراوان به من فرصت تجربه‌های فشرده و بی‌نظیری از حیات در این دنیا عطا کرده و هم کمی می‌ترسم. راستش من از کودکی شخصیت وابسته‌ای داشتم و شاید الان هنوز هم از نقطه‌ضعف‌های بزرگ من مهربانی و وابستگی بیش از حد به کسانی است که دوستشان دارم و بالطبع ترس از تنهایی است.

خداوند به من هم مثل همه انسانها این فرصت را داده تا با ترسهای زندگی‌ام مبارزه کنم، امروز خودم را جزء خوشبخت‌ترین‌ها می‌بینم چون در کنار پدر، مادر و تنها خواهرم که برای من بهترینند و تمام زندگی‌ام را مدیونشان هستم، زندگی می‌کنم و همه ترسم از روزی است که خدایی ناکرده خانواده خوبم کنارم نباشند...

خداوند آدم‌ها را با ترسهایشان امتحان می‌کند و امیدوارم من بتوانم به ترس‌هایم در زندگی غلبه کنم و هر چند فصلی از عمر، که به من فرصت زندگی بخشیده شد قهرمان زندگی خودم باشم؛ به نیکی و بزرگی از من یاد شود و بتوانم به مقامی برسم که یکی از جانشینان خوب خدا در زمین باشم.

**\* در آخر چه توصیه‌ای به عزیزان علاقه‌مند به اجرا و گویندگی دارید؟**

\*\*\*اگر واقعا عاشق و دلدادۀ این کار هستند ورود پیدا کنند. اجرا به اعتقاد من یک شغل نیست بلکه تلفیقی از فن و هنر است و عاشقی می‌خواهد...

کارشناس برنامه همچنان بحث تفسیر سوره اسرا را ادامه می‌دادند. مدیر صحنه روی کاغذ نوشتند: سنجاق قفلی... و به تماشای‌ها و شرکت‌کنندگان طرح نشان دادند که از بین حضار سنجاق قفلی‌ای پیدا شد و کش چادر را با سنجاق قفلی به چادر وصل کردم. از آن زمان همیشه چندین سنجاق قفلی در کیفم همراه دارم...

یک بار هم امسال در طرح قرآنی ۱۴۵۱ وسط برنامه یکی از پروژکتورهایمان ترکید و صدای مهبیبی داد و آتش گرفت که خیلی ترسیدیم اما با پخش یک پلی‌بک مشکل رفع شد و برنامه ادامه پیدا کرد.

**\* آیا خانواده، دوستان و... کار شما را نقد می‌کنند و اینکه از آنها ایده می‌گیرید؟**

\*\*\*بله، خانواده جزء منتقدین اصلی کار من بوده و هستند و به نظر من هیچ کسی به اندازه خانواده و خود فرد نمی‌تواند منتقد دلسوزی باشد، خدا را شکر می‌کنم که خانواده بسیار خوبی به من عطا کرده است و همچنان بعد از گذشت سالها دلسوزانه در موارد مختلف زندگی کمکم می‌کنند و نظراتشان را به عنوان یک مخاطب فعال ارائه می‌دهند.

**\* اجرای برنامه‌های روزانه کار دشواری برای مجری است، چون امکان دارد گرفتار کلیشه شود. شما از چه راهکارهایی استفاده می‌کنید تا دچار کلیشه نشوید؟**

\*\*\*بله، کاملاً حق با شماست. در مورد این سؤال ذکر دو نکته را ضروری می‌دانم اول اینکه گاهی مجری به تکرار و کلیشه بودنش برای مخاطبین شناخته و پذیرفتنی می‌شود، یعنی اگر هزار سال هم بگذرد مخاطب عادل فردوسی پور را به همین صورت می‌خواهد و می‌پذیرد و تکرار و کلیشه شدن در این موارد بی‌معناست.

دوم اینکه قبل از شروع هر برنامه‌ای قطعاً مطالعه و تفکر و تدبیر در خصوص شروع خوب و مناسب هر برنامه و هر بخش از برنامه و پلاتوسازی و بداهه‌گویی قوی و با تسلط کافی به موضوع مجری را از کلیشه دور کرده و برعکس به مخاطب بسیار نزدیکش می‌کند.

**\* شما کار نویسندگی هم انجام می‌دهید. بفرمایید در چه حوزه‌ای و آیا آثاری هم داشتید؟**

\*\*\*در اکثر برنامه‌هایی که تاکنون اجرا کرده‌ام مجری و نویسنده برنامه خودم بوده‌ام. سه سال و نیم هم توفیق شاگردی آقای فرهاد توحیدی از پیشکسوتان فیلمنامه نویس کشورمان را داشتم و دو فیلمنامه بازنویسی کرده‌ام.

**\* برخی مواقع شاهد هستیم مجریان بیشتر تلاش می‌کنند خودشان را به رخ بیننده بکشند تا اینکه بخواهند مباحث برنامه را با حضور کارشناس و مهمان برنامه دنبال کنند. چرا این اتفاق می‌افتد؟**

\*\*\*البته این اتفاق به نظر من بیشتر در مورد مجریان تازه کار می‌افتد تا مجریان قدیمی‌تر، اما گاهی برخی می‌خواهند اطلاعاتشان را به رخ بکشند و جایگاه خودشان را به عنوان مجری با جایگاه کارشناس یا مهمان اشتباه می‌گیرند و می‌خواهند بیشتر دیده شوند اما در غالب موارد این مسئله بین مجریان قدیمی و حرفه‌ای کمتر دیده می‌شود.

**\* تا چه میزان در برنامه‌هایتان متکی به متن هستید و چقدر از بداهه استفاده می‌کنید؟**

\*\*\*تقریباً اصلاً متکی به متن نیستم و کاملاً بداهه اجرا می‌کنم؛ مگر اینکه متن یا شعر خاصی باشد، مخصوصاً در مناسبات مذهبی، در غیر این صورت کاملاً بداهه اجرا می‌کنم و کاملاً خودم هستم چون معتقدم بیننده در این صورت است که مجری را باور می‌کند و دوستش دارد و او را می‌پذیرد.

**\* یک برنامه خوب و حرفه‌ای چقدر می‌تواند در اجرای درست یک مجری تأثیرگذار باشد؟**